

قواعد کلی عقود کتاب البیع و المتاجر

با محوریت آراء شیخ مرتضیٰ انصاری و طرح أهمّ نظرات
حضرت امام خمینی و حضرت آیت الله خوئی (رضوان الله تعالیٰ علیهم)

تألیف

حضرت آیت الله عباسعلی عمید زنجانی (ره)

استاد فقیه دانشگاه تهران

سرشناسه	عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۱۶-۱۳۹۰، گردآورنده-
عنوان و نام پدیدآور	قواعد کلی عقود کتاب البیع و المتاجر با محوریت آراء شیخ مرتضی انصاری و طرح اهم نظرات حضرت امام خمینی و حضرت آیت الله خوئی (رضوان الله تعالی علیهم) / تألیف: عباسعلی عمید زنجانی.
مشخصات نشر	تهران: خرسندی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۲۶۱ ص.
شابک	978-600-114-233-8
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: عقود و ایقاعات (فقه)
موضوع	: فقه جعفری - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۱۳۹۱: ۴۸۹/۱۹۰ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۳۷۲
شماره کتابشناسی ملی	۲۸۵۳۹۲



انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و علوم سیاسی

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین

پانین تر از خیابان لبافی نژاد، کوچه مینا، پلاک ۲۰

تلفن: ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵ - ۶۶۴۹۰۵۸۴

پست الکترونیک: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

قواعد کلی عقود کتاب البیع و المتاجر

تألیف: حضرت آیت الله عباسعلی عمید زنجانی (ره)

چاپ اول: ۱۳۹۱ - شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

حروفچینی: زرنگاران مهرخلاق

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-233-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۲۳۳-۸

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۱۵
فصل اول: عقد و ارکان و اقسام آن	
مبحث اول: نظریه عقد در فقه.....	۱۹
تعریف عقد.....	۲۰
ماهیت عقد.....	۲۱
اثار عقد.....	۲۱
عقد به معنی ابراز اعتبار نفسانی.....	۲۲
نوع اضافه در عقود.....	۲۳
ترادف عقد و بیع.....	۲۵
نظریه صحیح و اعم.....	۲۶
موضوعات نه اسباب.....	۲۸
عقد به معنی اعم.....	۲۸
مبحث دوم: ارکان عقد.....	۲۹
رکن اول: ایجاب.....	۳۰
رکن دوم: عبارت (صیغه) ایجاب.....	۳۱
۱- اعتبار لفظ در ایجاب.....	۳۲
۲- اعتبار مواد خاصه در افعال ایجابی.....	۳۲
۳- اعتبار عربیت در ایجاب.....	۳۳
۴- اعتبار ماضویت در عقود.....	۳۳
رکن سوم: عقد.....	۳۴
عقد با اتشائین.....	۳۴
مبحث سوم: اقسام بیع.....	۳۵
بیع بدون ایجاب و قبول.....	۳۵
اقوال در معاوضة.....	۳۶

۳۷	 اطلاق عقد بر معاوضة
۳۸	 ادله لزوم بیع معاطاتی
۴۳	 تفکیک در ادله صحت و ادله لزوم
۴۴	 معاوضة یکجانبه
۴۴	 جریان معاوضة در همه عقود و ایقاعات
۴۵	 مفهوم فقهی ارضاء
۴۶	 فقدان شروط صیغه
۴۷	 اعتبار الفاظ خاص در عقود

فصل دوم: شروط عقد

۴۹	 مبحث اول: شرائط عقد (ایجاب و قبول)
۵۰	 صراحت در انشاء عقد
۵۰	 تقدم ایجاب بر قبول
۵۱	 موالات بین ایجاب و قبول
۵۲	 شرط تنجیز در عقود
۵۴	 تطابق بین ایجاب و قبول
۵۴	 صحت انشاء هر کدام در حال انشاء دیگری
۵۵	 مبحث دوم: عقد فاقد شروط و احکام عقد فاسد
۵۵	 ۱- فقدان شرایط رکنی عقد
۵۶	 ۲- احکام عقد فاسد
۵۷	 مبحث سوم: قاعده «ما یضمن بصحیحه یضمن بفاسده»
۵۸	 ۱- حدیث نبوی (ص) علی الید
۵۹	 ۲- اقدام بر ضمان
۶۰	 ۳- روایات احترام مال
۶۰	 ۴- روایات حرمة ماله کحرمة دمه
۶۱	 ۵- روایات ذهاب حق
۶۲	 ۶- روایات لاضرر و لاضرار فی الاسلام
۶۴	 ۷- سیره عقلانی بر ضمان مقبوض به عقد فاسد
۶۵	 نقض قاعده «ما یضمن»
۶۵	 عکس قاعده
۶۷	 خدشه بر عکس قاعده
۶۸	 دلیل عدم الدلیل
۶۸	 موارد نقض عکس قاعده
۶۹	 وجوب رد فوری عین مال مقبوض
۷۳	 هزینه رد مقبوض

۷۳	مبحث چهارم: ضمان منافع قبل از رد
۷۴	نظریه‌های توقف
۷۴	الف- ادله ضمان منافع
۷۷	عموم روایات
۷۷	روایات
۷۹	اجماع بر ضمان
۷۹	ب- ادله عدم ضمان منافع
۸۲	ضمان منافع غیر مستوفات
۸۲	عدم ضمان در صورت علم بایع
۸۳	مبحث پنجم: ضمان بعد از تلف، مثل یا قیمت
۸۳	اولویت مثل
۸۵	مثلی و قیمی
۸۵	الف- قول به ضمان به مثل
۸۶	ب- ضمان به قیمت مطلقاً در موارد مشکوک
۸۶	ج- قول به تخییر مالک
۸۶	د- قول به تخییر ضامن
۸۷	مبحث ششم: افزایش و کاهش قیمت
۸۸	مبحث هفتم: تعدّر مثل در مثلی
۹۰	امکان دسترسی به مثل متعدّر
۹۱	مبحث هشتم: قیمی بودن تالف
۹۳	مبحث نهم: بدل حیلولة
۹۵	سقوط عین از قیمت
۹۶	وقت قیمت‌گذاری عین قیمی
۹۷	دسترسی به عین مضمونه
۹۹	تلف عین در زمان حبس

فصل سوم: شروط متعاقدين

۱۰۱	مبحث اول: عقل و بلوغ
۱۰۱	بطلان عقد صبی غیر ممیز
۱۰۲	۱- حدیث مشهور نبوی (ص)
۱۰۳	۲- حدیث حمزة بن حرمان عن ابی جعفر (ع)
۱۰۳	نفی استقلال صبی
۱۰۴	۳- عمد الصبی خطأ
۱۰۵	اشیاء ارزان قیمت
۱۰۵	۴- نهی از کسب و کار کودک صغیر
۱۰۶	۵- سیره بر کسب و کار صبی

۱۰۹	مبحث دوم: قصد به مدلول عقد
۱۱۰	مبحث سوم: شرط الاختیار
۱۱۱	حقیقت اکراه
۱۱۲	اکراه مجوز محذورات
۱۱۳	اکراه به امر مردد
۱۱۳	اکراه مالک دون عاقد
۱۱۴	رضای لاحق در بیع مکره
۱۱۴	مبحث چهارم: مالکیت متعاقدان
۱۱۵	شمول عقد فضولی
۱۱۵	نظریه شیخ در فضولی با علم به رضا
۱۱۷	تقسیم بندی بیع فضولی
۱۱۷	بیع فضولی برای مالک
۱۱۷	ادله صحت بیع فضولی
۱۱۹	ادله مخالفین صحت فضولی
۱۱۹	۱- دلیل از کتاب
۱۱۹	پاسخ استدلال اول
۱۲۰	۲- احادیث متعدد
۱۲۱	پاسخ استدلال دوم
۱۲۲	۳- اجماع بر بطلان عقد فضولی
۱۲۲	پاسخ استدلال به اجماع
۱۲۲	۴- دلیل عقل
۱۲۲	پاسخ استدلال به عقل
۱۲۳	۵- قدرت بر تسلیم
۱۲۳	پاسخ استدلال به عدم قدرت تسلیم
۱۲۳	۶- فضولی مانند مکره قاصد
۱۲۳	پاسخ استدلال به عدم قصد
۱۲۴	صورت سوم فضولی
۱۲۷	اشکال دوم علامه
۱۲۷	فضولی که مالک می شود
۱۲۷	شراء فضولی
۱۲۹	معاطاة فضولی
۱۲۹	احکام و شروط اجازه
۱۳۱	اقوال کشف
۱۳۱	کشف به لحاظ نصوص خاص
۱۳۲	تفاوت اقسام کشف
۱۳۳	نمره کشف و نقل

۱۳۳	تنبیها کشف و نقل
۱۳۵	احکام مجیر
۱۳۶	احکام رد
۱۳۸	بیع ولی
۱۳۸	۱- ولایت اب و جد
۱۴۲	ماهیت ولایت اب و جد
۱۴۲	۲- ولایت الله
۱۴۴	۳- ولایت النبی (ص)
۱۴۵	۴- ولایت ائمه (علیهم السلام)
۱۴۶	ولایت و حاکمیت اجرایی ائمه (ع)
۱۴۶	۱- نواب خاص
۱۴۷	۲- نیابت عامه
۱۴۷	الف- ولایت تبلیغ
۱۴۷	ب- ولایت افتاء
۱۴۷	ج- ولایت قضائی
۱۴۸	د- ولایت بر اشخاص
۱۴۸	هـ - ولایت بر امور حسبه
۱۴۸	و- ولایت اجرایی
۱۴۸	ز- ولایت حکومتی
۱۴۸	ح- ولایت تشریعی
۱۴۸	ط- ولایت جهاد
۱۴۹	ی- ولایت تفویض مناصب
۱۴۹	ک - اثبات ولایت ائمه (ع) با ادله اربعه
۱۴۹	۵- ولایت فقیه عادل
۱۵۲	نتیجه
۱۵۲	ادله ولایت فقیه در عصر غیبت
۱۵۲	الف- تصرفات حاکمیتی
۱۵۳	اول- ولایت افتاء
۱۵۴	دوم- ولایت قضائی
۱۵۴	سوم- ولایت در امور حسبه
۱۵۴	چهارم- اجرای احکام کلی
۱۵۵	پنجم- مرجعیت دینی
۱۵۵	ششم- ولایت بر محجورین
۱۵۶	شئون حاکمیتی
۱۵۶	ب- ولایت تصرف در شئون ریاستی
۱۵۸	بررسی ادله ولایت فقیه

۱۵۹	۱- العلماء ورتة الانبياء
۱۶۰	۲- ألقهاء أمناء الرسل
۱۶۱	۳- ألقهاء حصون الاسلام
۱۶۱	۴- فآنى قد جعلته عليكم حاكماً
۱۶۴	۵- مجارى الأمور على أيدى العلماء
۱۶۵	۶- علماء أمتى كانباء بنى اسرائيل
۱۶۶	۷- اولى الناس بالانبياء
۱۶۶	۸- قد جعلت عليكم قاضياً
۱۶۷	۹- اللّٰهم ارحم خلفائى
۱۶۹	۱۰- توقيع الشريف
۱۷۰	اشاره به روايات ديگر
۱۷۱	تأملی در ادبيات روايات
۱۷۲	ديدگاه مخالفان
۱۷۳	منطق مخالفان
۱۷۳	تسلسل تاريخى و سینه به سینه
۱۷۴	سيره عقلانى
۱۷۴	دليل عقلی
۱۷۴	دليل لفظی یا دليل لبتى
۱۷۵	توقف تصرفات غير فقيه به اذن
۱۷۵	امور عمومى موکول به اذن
۱۷۶	وجوب رجوع به فقيه در امور موکول به اذن
۱۷۷	نتیجه
۱۷۷	نسبت ادله معروف با ادله ولايت فقيه
۱۷۸	ج- احکام حکومتى نماد ولايت فقيه
۱۷۹	مقتضای نيابت عامه
۱۸۰	مستثنیات ولايت و نيابت فقيه
۱۸۰	اول
۱۸۱	دوم
۱۸۲	ألسلطان ولى من لا ولى له
۱۸۴	امور مطلوب الوجود یا مما لابد منه
۱۸۵	حکومت عرفی
۱۸۶	ولايت عدول مؤمنين
۱۸۷	مقتضای اصل در ولايت مؤمنين
۱۹۰	آينده نگری فقها
۱۹۲	ولايت دو مرحله‌ای عدول مؤمنين
۱۹۳	تفاوت تصدى گرى فقيه و مؤمنين

۱۹۴	نصوص مباشرت مصالح عمومی توسط عدول مؤمنین.....
۱۹۶	تزاحم اولیاء.....
۱۹۷	مقاصد الشریعه در کلام شیخ انصاری (ره).....
۲۰۰	شرط غبطه و اصلح در ولایت.....
۲۰۳	حرمت فروش مصحف شریف.....
۲۰۴	د- شرایط عوضین.....
۲۰۵	۱- شرط مالیت عوضین.....
۲۰۷	تعریف مال.....
۲۰۸	فروش اشیاء مشترک.....
۲۰۹	فروش اراضی مفتوح الغنوه.....
۲۰۹	انواع ملکیت.....
۲۱۰	اقسام ارضین.....
۲۱۰	نوع اول.....
۲۱۲	نوع دوم.....
۲۱۲	نوع سوم.....
۲۱۲	نوع چهارم.....
۲۱۳	حکم فروش زمین‌ها.....
۲۱۳	۲- عوضین باید ملک طلق باشند.....
۲۱۴	الف - بیع وقف.....
۲۱۵	صورت اول.....
۲۱۵	صورت دوم.....
۲۱۵	صورت سوم.....
۲۱۶	صورت چهارم.....
۲۱۶	صورت پنجم.....
۲۱۶	صورت ششم.....
۲۱۷	صورت هفتم.....
۲۱۷	صورت هشتم.....
۲۱۷	صورت نهم.....
۲۱۷	صورت دهم.....
۲۱۸	ب- بیع رهن.....
۲۱۹	۳- شرط قدرت بر تسلیم.....
۲۲۱	۴- شرط علم به مقدار مبیع و ثمن.....
۲۲۱	الف- علم به مقدار ثمن.....
۲۲۲	ب- علم به مقدار مبیع.....
۲۲۳	شاخص تعیین مقدار.....
۲۲۳	جایجائی شاخصهای اندازه‌گیری.....

۲۲۶	ملاک شاخص‌های عرفی اندازه‌گیری
۲۲۷	اعتماد به خبر بایع
۲۲۸	حالت اول
۲۲۸	حالت دوم
۲۲۸	اندازه‌گیری با مشاهده
۲۲۹	معیارهای جدید اندازه‌گیری
۲۳۰	بیع صاع من صبره
۲۳۰	صورت اول
۲۳۰	صورت دوم
۲۳۲	صورت سوم
۲۳۲	جایگزین صاع من صبره
۲۳۲	۱- فروش فله‌ای
۲۳۳	۲- فروش بسته‌بندی
۲۳۳	۳- کلی در معین
۲۳۳	بیع با مشاهده قبلی
۲۳۴	اختلاف در تغییر
۲۳۵	تعیین اوصاف دخیل در قیمت
۲۳۶	شک در زمان تلف مبیع
۲۳۷	احکام اختبار
۲۳۹	برائت بایع
۲۴۰	بیع اشیاء با پوشش طبیعی
۲۴۱	بیع مظروف با ظرف

فصل چهارم - خاتمه

۲۴۵	چند مبحث فقهی متناسب با بیع
۲۴۵	مبحث اول: حکم فقه التجاره
۲۴۶	وجوب مقدمی تفقه
۲۴۷	وجوب نفسی تفقه
۲۴۸	استحباب تفقه کامل و اجتهادی
۲۴۸	تعارض ادله تعلیم و ادله کسب و کار
۲۵۰	مبحث دوم: تلقی الرکبان
۲۵۱	مبحث سوم: حرمت نجش
۲۵۲	مبحث چهارم: مشارکت در تقسیم
۲۵۴	مبحث پنجم: حرمت احتکار
۲۴۷	فهرست منابع
۲۶۰	فهرست آیات

پیشگفتار

یک سال از انحال ملکوتی اسوهی علم و عمل، زهد و تقوا، پاکی و اخلاص، نظم و درایت و شخصیت پرتلاش و خستگی‌ناپذیر عرصه‌های علمی کشور، استاد برجستهی حوزه و دانشکده، مرحوم حضرت آیت الله آقای حاج شیخ عباسعلی عمید زنجانی (رضوان الله تعالی علیه) در شرایطی گذشت که جامعهی علمی کشور، هنوز نتوانسته است فقدان این عالم جلیل القدر و چهره‌ی ماندگار علمی کشور را باور نماید. عالم فرهیخته‌ای که سالهای متبادی در حوزه‌های علمیّه قم و نجف اشرف از محضر نورانی حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید روح الله الموسوی الامام الخمینی (قدس سره الشریف) بنیانگذار کبر جمهوری اسلامی و نیز علماء و فقهای دیگر زمان خویش از جمله حضرات آیات عظام آقایان: حجت، بروجردی، خویی، میرزا باقر زنجانی، سید محمود شاهرودی، سید محمد داماد، علامه طباطبائی و بسیاری از بزرگان دیگر (رضوان الله تعالی علیهم) کسب فیض نمود و در طول عمر با برکتش بیش از پنجاه اثر فقهی، حقوقی، سیاسی، تفسیری، اجتماعی و علمی، و بیش از دویست رساله‌ی دانشگاهی در مقاطع مختلف، و بیش از هفتاد مقاله‌ی علمی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی و تربیت شاگردان وارسته‌ای برای خدمت به جامعه‌ی دینی و علمی کشور، از خود به یادگار گذاشت و تا آخرین لحظات عمر، نه تنها خود در سنگر تعلیم و تعلّم در حوزه و دانشگاه، لحظه‌ای غفلت نکرد، بلکه تا آنجا که توان داشت، از مطالعه و تحقیق دست نکشید و دیگران را نیز به این امر مهم توصیه می‌نمود.

ایشان از آغازین روزهای ورودشان به حوزه‌ی علمیّه قم، ضمن شرکت در درس اساتید مبرز حوزه، خود نیز تدریس می‌فرمودند. به تعبیر دیگر ایشان بیش از شصت سال در سنگر تعلیم و تعلّم با جدّیت، فعالانه، با انگیزه‌ی بسیار بالا و در جهت خدمت به اسلام عزیز، گام‌های استوار و مؤثری برداشتند.

جناب استاد (ره) به نسل‌های حال و آینده‌ی حوزه و دانشگاه توصیه می‌فرمودند که به هر دو جهت گرایش داشته باشند. یعنی حوزویان، دانشگاهی هم باشند و دانشگاهیان

نیز حوزوی، و معتقد بودند که این رویه باعث وحدت بیشتر حوزه و دانشگاه خواهد شد و هر دو عرصه را از خطرات انحرافی و احتمالی دور خواهد کرد.

ایشان همیشه خود را به اسلام عزیز، علماء و فقهای قبل از خود، وفادار می‌دانستند و سعی و تلاششان برای احیای ارزشهای اسلامی بود. لذا از ابتدای آشنایی با حضرت امام خمینی (ره) چه در حوزه علمیه قم و چه در حوزه نجف اشرف و حتی در طول دوران مبارزه بر علیه رژیم ستمشاهی تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، یک لحظه از آرمانهای جمهوری اسلامی ایران و اصل مرفقی ولایت فقیه، غافل نبودند و افکار و اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) را که مبتنی بر اندیشه‌های سیاسی اسلام بود، پیوسته تبلیغ و تدریس نموده و همگان را به حفظ نظام اسلامی در چارچوب قانون اساسی کشور توصیه و خود نیز به آن عمل می‌فرمودند. در بُعد بین الملل نیز با سفر به اکثر کشورهای مختلف دنیا، ابعاد کاملی از معارف الهی اسلام ناب محمدی (ص) را به تشنگان آن ارائه و آنها را از این طریق سیراب می‌نمودند.

از جمله‌ی خصوصیات حضرت استاد (ره) در صحنه‌های اجتماعی، می‌توان از حسن مسئولیت‌پذیری ایشان یاد نمود. هنگامی که مسئولیتی پیشنهاد می‌شد، با بصیرتی عالمانه پیرامون آن، بسیار تفکر می‌فرمودند و اصلاً عنوان برای ایشان مهم جلوه نمی‌کرد، آنچه که ایشان را به پذیرش آن مسئولیت وادار می‌نمود، همان حسن مسئولیت‌پذیری همراه با بصیرت بود، یعنی اگر تشخیص می‌دادند که وجودشان در آن مسئولیت لازم و ضروری است و مؤثر واقع می‌شود، حتماً می‌پذیرفتند و الاً خیر.

همچنین علاوه بر تألیف بیش از ۵۰ جلد کتاب در زمینه‌های فقهی، حقوقی،... که از آن جمله می‌توان به دوره ارزشمند فقه سیاسی اشاره نمود. در سالهای آخر عمر شریفشان، همچون گذشته تلاش مضاعفی برای اعتلای پژوهش در حوزه‌ی مباحث فقهی به کار بستند و اثر فقهی مهم دیگری تحت عنوان «قواعد کلی عقود البیع و المتاجر» که از افاضات عالمانه و با ارزش آن عزیز سفرکرده است را نزد جامعه‌ی محققین و پژوهشگران علوم اسلامی به یادگار گذاشتند.

از آنجا که کتاب حاضر، در آستانه اولین سالروز ارتحال آن استاد فقید سعید به چاپ رسیده است، از اساتید، محققین و خوانندگان محترم تقاضا دارد پیشنهادات خود را به ایمیل Info@AmidZanjani.ir ارسال نمایند.

از خداوند متعال، علو درجات آن عالم ربانی و استاد گرامی را مسألت می‌نمایم.

سید محمد هاشم موسوی

مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی

تابستان ۱۳۹۱

مقدمه

توجه به احکام اسلامی در معاملات و تجارت در جامعه اسلامی، نکته‌ای است که از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و هست. این مهم از صدر اسلام همواره مورد تأکید نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه (علیهم السلام اجمعین) قرار داشته و بعد از غیبت کبرای حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز پیوسته مورد توجه علما بوده، به نحوی که فقهاء عظام، مباحث مرتبط با معاملات را مورد تأکید خاص قرار می‌دادند و خود را ملزم به نظارت بر رعایت قوانین الهی می‌دانستند، چرا که غفلت از احکام اسلامی در موضوعات مورد اشاره تأثیرات بسیار منفی بر جامعه اسلامی خواهد داشت. معاملات، یکی از عواملی است که از نظر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی می‌تواند بر جامعه اثرگذار باشد. از سوی دیگر حقوق اسلامی نیز بر معاملات و روابط حاکم بر آن اثر به سزایی داشته و دارد.

تأثیر فقه بر معاملات مسلمانان در زمینه‌های مختلف از قبیل ترغیب به کار و تجارت، آزادی فعالیت تجاری، وضع مقررات و نظارت بر آن، ایجاد معاملات جدید و شکل‌ظاهری معاملات نیز مورد توجه قرار گرفته است.

همانگونه که معاملات بر فقه و حقوق از جهات مختلف تأثیر داشته است و گاه پدیده بازار در خدمت فرهنگ، علوم و احکام فقهی اسلام بوده و گاهی هم با آنها اصطکاک داشته است، فقه و حقوق اسلامی به نوبه خود بر معاملات تأثیر داشته است که گاهی موجب رشد و شکوفایی بوده و از جهاتی هم برای بازار، محدودیت‌هایی ایجاد نموده است.

اسلام نسبت به کار و تلاش و به ویژه تجارت، نظر مثبت داشته و انسانها را به آن ترغیب می‌نماید. تا جایی که پیامبر اکرم (ص) در مورد تجارت و ارزش آن فرموده است: «برکت ده جزء دارد که نه تایی آن در تجارت است.»

علامه حلی، ضمن تقسیم تجارت به اقسام پنج‌گانه، می‌گوید: قسم دوم آن، تجارت مستحب است و آن در صورتی است که برای توسعه امور زندگی انسان باشد. رهبران و پیشوایان دینی، نه تنها نسبت به تجارت، تشویق‌زبانی کرده‌اند و مردم را به کار تجاری ترغیب نموده‌اند، بلکه تاریخ، نمونه‌هایی از اقدام عملی آنان را برای رشد و توسعه تجارت و بازار به عنوان سند، ثبت نموده است.

بازار در جامعه اسلامی، همواره تحت تأثیر قواعد کلی حاکم بر فعالیتهای اقتصادی اسلام و احکام فقهی بوده است. از جمله قواعد کلی حاکم بر فعالیتهای تجاری، آزادی نسبی مالکیت، سرمایه‌گذاری و فعالیتهای تجاری است و شالوده اقتصادی بازار در مناطق اسلامی را فعالیتهای اقتصادی، حمل و نقل و ارائه خدمات در بخش خصوصی تشکیل می‌دهد.

در جامعه اسلامی، هر چند در زمینه‌های مختلف از جمله در مورد فعالیتهای اقتصادی، تجاری و بازرگانی قوانین و محدودیتهایی وجود دارد، بخشی از ثروتهای ملی از قبیل انفال در اختیار دولت می‌باشد، بعضی معاملات از قبیل معاملات ربوی ممنوع می‌باشد و در شرایطی هم حکومت بر امور بازار نظارت دارد، لکن سرمایه‌گذاری، تجارت و فعالیتهای اقتصادی در اختیار بخش خصوصی است و هر انسانی حق دارد دست به چنین فعالیتهایی بزند. به عبارت دیگر اسلام در زمینه فعالیتهای اقتصادی، معتقد به مالکیت خصوصی و آزادی فعالیتهای اقتصادی محدود می‌باشد و آزادی اقتصادی محدود از ارکان نظام اسلامی است.

نوع دیگری از تأثیرگذاری فقه و حقوق بر بازار، این است که در بازارهای اسلامی، اکثراً فعالیتهای اقتصادی و تجاری و داد و ستدها، رنگ اسلامی داشته و در چارچوب احکام و ضوابط آن و طبق قانون حاکم بر بازار صورت می‌گرفته است که این گاهی موجب محدودیتهایی در بازار شده است. برخی از معاملات که از نظر فقه اسلامی نامطلوب یا حرام است، در بازار کمتر رایج بوده و در عوض برخی دیگر از مبادلات مورد توجه مردم قرار گرفته است.

در نگاه فقهی، شرایط کالا، فروشنده و خریدار، احکام خیارات و سایر احکام و قوانین حاکم بر داد و ستد نیز مورد توجه می‌باشد.

نگاهی به سیره پیامبر اکرم (ص) و حکام اسلامی در برخورد با بازار و نیز مطالعه مجموعه احکام و قواعد فقهی مربوط به امر تجارت و معاش، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که دولت اسلامی وظیفه دارد ضمن حفظ آزادی فعالیتهای اقتصادی، احکامی

را برای سالم نگه داشتن حرکت اقتصادی کشور وضع نموده و بر روند بازار نظارت داشته باشد. پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) هم خود مستقیماً بر امور بازار نظارت داشته‌اند و هم افرادی را از میان کسبه برای نظارت بیشتر تعیین می‌کردند تا بوسیله آنها مسائل حلال و حرام، مراعات گردد.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در نامه مشهور خود به مالک اشتر، ضمن تأکید بر حفظ آزادی، احترام و حقوق تجار و بازاریها، می‌فرماید: آنها را نسبت به اجحاف، گران-فروشی و احتکار هشدار بده، سپس می‌فرماید: هر کس بعد از نهی تو و اعلام اینکه احتکار، حرام است، دست به این کار بزند، مناسب با جرمی که مرتکب شده و بدون زیاده‌روی، وی را مجازات کن که رسول الله (ص) نیز چنین می‌کرده است.

در گذشته نیز به منظور نظارت بر معاملات و تضمین اجرای احکام اسلام در آن و سلامت داد و ستد در تجارت و نیز پیگیری امور دیگر، دستگاه حسبه وجود داشته است. البته این دستگاه از سویی وظیفه نظارت بر حسن اجرای احکام اسلام در بازار و سلامت داد و ستد را به عهده داشته و از طرفی هم خود، عامل ایجاد امنیت و نظم اقتصادی و تضمین آزادی مالکیت بوده است.

امید است مباحث کتاب فوق مورد استفاده طلاب عزیز، دانشجویان گرامی و کلیه علاقمندان واقع شود.

عباسعلی عمید زنجانی

تابستان ۱۳۹۰